

بیا بیا که پشیمان شوی از این دوری بیا به دعوت شیر

مولانا « دیوان شمس » غزلیات

بیا بیا که پشیمان شوی از این دوری

بیا به دعوت شیرین ما چه می‌شوری

حیات موج زنان گشته اندر این مجلس

خدای ناصر و هر سو شراب منصوری

به دست طره خوبان به جای دسته گل

به زیر پای بنفشه به جای محفوری

هزار جام سعادت بنوش ای نومید

بگیر صد زر و زور ای غریب زرزوری

هزار گونه زلیخا و یوسفند این جا

شراب روح فزای و سماع طنبوری

جواهر از کف دریای لامکان ز گزاف

به پیش مؤمن و کافر نهاده کافوری

میان بحر عسل بانگ می‌زند هر جان

صلا که بازرهدیم ز شهد زنبوری

فتاده‌اند به هم عاشقان و معشوقان

خراب و مست رهیده ز ناز مستوری

قیامت‌ست همه راز و ماجراها فاش

که مرده زنده کند ناله‌های ناقوری

برآر باز سر ای استخوان پوسیده
اگر چه سخره ماری و طعمه موری
ز مور و مار خریدت امیر کن فیکون
بیوش خلعت میری جزای مأموری
تو راست کان گهر غصه دکان بگذار
ز نور پاک خوری به که نان تنوری
شکوفه‌های شراب خدا شکفت بهل
شکوفه‌ها و خمار شراب انگوری
جمال حور به از بردگان بلغاری
شراب روح به از آش‌های بلغوری
خیال یار به حمام اشک من آمد
نشست مردمک دیده‌ام به ناطوری
دو چشم ترک خطا را چه ننگ از تنگی
چه عار دارد سیاح جان از این عوری
درخت شو هله ای دانه‌ای که پوسیدی
تویی خلیفه و دستور ما به دستوری
کی دیده‌ست چنین روز با چنان روزی
که واخرد همه را از شبی و شب کوری
کرم گشاد چو موسی کنون ید بیضا
جهان شده‌ست چو سینا و سینه نوری
دلا مقیم شو اکنون به مجلس جان‌ها

که کدخدای مقیمان بیت معموری

مباش بسته مستی خراب باش خراب

یقین بدانک خرابیست اصل معموری

خراب و مست خدایی در این چمن امروز

هزار شیشه اگر بشکنی تو معذوری

به دست ساقی تو خاک می شود زر سرخ

چو خاک پای ویی خسروی و فغفوری

صلای صحت جان هر کجا که رنجوریست

تو مرده زنده شدن بین چه جای رنجوری

غلام شعر بدانم که شعر گفته توست

که جان جان سرافیل و نفخه صوری

سخن چو تیر و زبان چو کمان خوارزمی است

که دیر و دور دهد دست وای از این دوری

ز حرف و صوت بیاید شدن به منطق جان

اگر غفار نباشد بس است مغفوری

کز آن طرف شنواند بی زبان دلها

نه رومیست و نه ترکی و نی نشابوری

بیا که همره موسی شویم تا که طور

که کلم الله آمد مخاطبه طوری

که دامنم بگرفته ست و می کشد عشقی

چنانک گرسنه گیرد کنار کندوری

ز دست عشق کی جستہست تا جہد دل من

به قبض عشق بود قبضہ قلاجوری